



یادداشت

بازنده اصلی سرکوب کشاورزان و مردم اصفهان رژیم است!
صادق کار



مطالبات مردم در اصفهان و در چهار گوشه ایران تا پاسخ نگیرند سر جایشان خواهند ماند و مبارزه برای متحقق کردن آنها نیز به رغم سرکوبها تداوم خواهد یافت. کما اینکه سرکوب های خونین جنبشها، خیزشها و اعتراضات یک دهه گذشته مبارزه برای رسیدن به مطالبات متحقق نشده نه تنها پایان نیافته بلکه دو چنان بیشتتر شده است. کشاورزان و مردم اصفهان مرعوب این جنایات نخواهند شد و رژیم یقین بدارد که آنان ساکت نخواهند ماند. با وجود اینکه عده ای از مردم چشم و بعضی ها هم جان عزیزشان را در راه حق خواهی از دست دادند، با این همه بازنده اصلی این رویداد مهم سیاسی - اجتماعی کسی غیر از خود رژیم جنایتکار حاکم نیست.

در جمعه هفته گذشته تجمع های وسیع و پرشکوه کشاورزان و مردم جسور و حق طلب اصفهان، به رغم مدنی و مسالمت آمیز بودن تمام و کمال آن توسط رژیم فاسد و مستبد تاب آورده نشد و با یورش نیروهای سرکوبگر رژیم و برقراری حکومت نظامی به آن ظاهرا بطور علی الحساب سرکوب شد. جمعه این هفته نیز در اصفهان و اطراف زاینده رود به منظور جلوگیری از نماز جماعت نمادین عده ای از مخالفان رژیم حکومت نظامی و منع تردد برقرار شد و کار رژیم دینی ولایی به جلوگیری از نماز خوانی هم کشیده شد و کابوس دیگری بر کابوسهای پیشین رژیم افزوده شد.

نیروهایی که به دستور سران رژیم به اصفهان اعزام شده بودند در هنگام یورش به مردم بی سلاح شمار زیادی از مردم را کور و مجروح نموده و حداقل یک کشاورز حق خواه را به قتل رساندند و شمار زیادی را نیز دستگیر و روانه زندان کردند. مقامات ارشد حکومتی مثل موارد دیگر برای توجیه اعمال پلید خود کشاورزان و مردم شرکت کننده در اعتراضات اصفهان را اغتشاشگر و محرک اعتراضات کشاورزان را وارونه جلوه دادند و به خیال باطل خود تصور کردند مشکل را حل کرده اند. به واقع بازنده اصلی سرکوب یکی از مسالمت آمیزترین و مدنی ترین اعتراضات مطالباتی مردمی نیک که بنگریم نه مردم اصفهان بلکه خود رژیم فقهاتی و بیشتر از همه شخص خامنه ای است که فرمان سرکوب کشاورزان و مردم اصفهان را داده است.

سرکوب اعتراض کشاورزان و مردم اصفهان آن تصور غلطی را که عده ای می پنداشتند گویا سطح تحمل رژیم بعد از یک دست شدن آن بیشتر شده است و اعتراضات مدنی مسالمت آمیز را رژیم تحمل خواهد کرد و رئیس قوه قضایی و خود رئیسی نیز سعی می کردند به این توهم دامن بزنند را بر باد داد و به زیان خود رژیم تمام شد.



افزوده شدن شعارهای سیاسی مثل "مرگ بر دیکتاتور" بر شعارهای مطالباتی و تبدیل شدن این شعار به مطالبات جمع کثیر دیگری از مردم نیز از پیامدهای این سرکوب برای رژیم است. سرکوب تجمع اصفهان پیامدهای منفی دیگری را هم برای رژیم داشت.

یورش مسلحانه و دروغ ها و تبلیغات وارونه‌ای که توسط دستگاه تبلیغاتی رژیم برای توجیه سرکوب کشاورزان و مردم اصفهان انجام گرفت و رسواتر از آن بود که مردم را بتواند بفریبد، ضربه سنگینی به ته مانده پایگاه اجتماعی رژیم در شهری که همواره از زمان انقلاب تا مدتی پیش از پایگاه‌های اصلی رژیم بود نه تنها در اصفهان بلکه در سراسر کشور وارد کرد که برای رژیم جذب دوباره آنان به اندازه بازگرداندن آب رفته به رود دشوار می نماید.

زیان دیگر این اقدام ابلهانه و جنایتکارانه، دامن زدن به شکاف و تفرقه میان نیروهای درون رژیم بر سرنحوه رفتار با کشاورزان و مردم اصفهان در شرایط وانفاسی است که رژیم مستاصل در داخل و خارج در آن قرار دارد. بسیار بعید می نماید که با وجود اظهار نظر و حمایت علنی برخی از سرداران سرکوبگر رژیم، دامنه شکاف ناشی از سرکوب اصفهان به میان بدنه این ارگان سرکوب یعنی تکیه گاه اصلی باقی مانده رژیم امتداد نیافته باشد.

اما مهمترین و موثرترین تاثیر حرکت کشاورزان و مردم توانایی آنان برای ایجاد همبستگی گسترده و پی بردن به کارایی و قدرتی است که از طریق همبستگی مردم با همدیگر پیدا می کنند. این قدرتی است الهام بخش و ماندگار که رژیم و هیچکس دیگر نمی تواند آن را با توپ و تفنگ از مردم بگیرد. کشاورزان و مردم اصفهان در واقع با همبستگی که بین خود بوجود آوردند الهام بخش و مشوق گروه‌های اجتماعی و مردمی برای همبستگی یعنی همان حلقه گمشده میان نیروهای تحولخواه که راز ماندگاری رژیم نیز هست شدند. ایران مدتهاست که مملو از نارضایتی و اعتراض گروه‌های اجتماعی و نحله‌های مختلف فکری علیه رژیم با خواسته‌های تحولخواهانه است. اما آنچه که با وجود این همه اعتراض و مبارزه مانع کامیابی و تحول شده و می شود، نبود همبستگی است. در اصفهان آنچه که باعث تصمیم پر هزینه رژیم برای سرکوب شد، هراس از همبستگی و سر مشق شدن آن برای مردم بود. مردم اصفهان ظاهراً سرکوب شدند، اما رمز پیروزی را هم خود آموختند و هم به همه ما آموختند.

مطالبات مردم در اصفهان و در چهار گوشه ایران تا پاسخ نگیرند سر جایشان خواهند ماند و مبارزه برای متحقق کردن آنها نیز به رگم سرکوبها تداوم خواهد یافت. کما اینکه سرکوب‌های خونین جنبشها، خیزشها و اعتراضات یک دهه گذشته مبارزه برای رسیدن به مطالبات متحقق نشده نه تنها پایان نیافته بلکه دو چنان بپیشتتر شده است. کشاورزان و مردم اصفهان مرعوب این جنایات نخواهند شد و رژیم یقین ندارد که آنان ساکت نخواهند ماند. با وجود اینکه عده‌ای از مردم چشم و بعضی ها هم جان عزیزشان را در راه حق خواهی از دست دادند، با این همه بازنده اصلی این رویداد مهم سیاسی – اجتماعی کسی غیر از خود رژیم جنایتکار حاکم نیست.

از مبارزه به حق کشاورزان و مردم اصفهان، علیه سیاستهای تخریبی آبی حکومت پشتیبانی و علیه سرکوب کشاورزان و مردم اعتراض کنیم!

برای آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان تظاهرات اصفهان مشترکاً تلاش کنیم!



جنبش تعاونی در قرن 21 بخش هفتم نوشته جان کرل



در دهه های 60 و 70 قرن گذشته نسل جدیدی از مردمان، با خلق ساختارها و تعاریف خاص خود، ملهم از یک جنبش سیاسی اپوزیسیونی نوین و به نوبه خود به عنوان نیروی این جنبش، به کشف مجدد تعاون، همکاری و جمع گرایی نائل شد. سالهای دهه 60 به طریقی منحصر به فرد به منظری از آمریکا جان تازه ای بخشید که، اگرچه در آن زمان برای بیشتر افراد ناشناخته بود، اما قویاً رؤیاهای تعاونیهای قدیم را منعکس می کرد. این تعاونیها و جمعهای جدید، مانند گذشتگان، به مبارزه ای برای تثبیت هویت دوگانه خود - از سویی به عنوان تعاونی "صاف و ساده" و از سوی دیگر به عنوان یک جنبش اجتماعی رادیکال برخاستند.

معامله جدید (نیو دیل New Deal) و جنبش تعاونی - ادامه

نیروهای ارتجاعی از همان شروع نیودیل بطرز خستگی ناپذیری برای توقف آن کوشیدند و پس از جنگ جهانی دوم موفق شدند تکه تکه آن را برچینند. تعدادی اندکی از تعاونیها توانستند از جنگ گذر کنند و باقی نمانند. آنهایی که باقی مانده بودند، مورد هجوم "سگان مک کارتیس" قرار گرفتند و بسیاری از آنها از هرگونه ارتباط با جنبشهای اجتماعی "پاکسازی" شدند. مقررات دولتی در باره سرمایه، شرکتها و بازار یک به یک لغو شدند و این در حالی بود که سازمانهای کارگری با وضع قوانین و مقررات جدید تضعیف و سرانجام از میان برداشته شدند. تعاونیهای کشاورزان خرد در قامت شرکتیهای فزاینده کشت تجاری با دشمنی قهار روبرو شدند.

در دهه های 60 و 70 قرن گذشته نسل جدیدی از مردمان، با خلق ساختارها و تعاریف خاص خود، ملهم از یک جنبش سیاسی اپوزیسیونی نوین و به نوبه خود به عنوان نیروی این جنبش، به کشف مجدد تعاون، همکاری و جمع گرایی نائل شد. سالهای دهه 60 به طریقی منحصر به فرد به منظری از آمریکا جان تازه ای بخشید که، اگرچه در آن زمان برای بیشتر افراد ناشناخته



بود، اما قویاً رؤیاهای تعاونیهای قدیم را منعکس می کرد. این تعاونیها و جمعهای جدید، مانند گذشتگان، به مبارزه ای برای تثبیت هویت دوگانه خود – از سوئی به عنوان تعاونی "صاف و ساده" و از سوی دیگر به عنوان یک جنبش اجتماعی رادیکال برخاستند. مهمترین نقطه عطف برای تعاونیهای جریان اصلی در آن دوره، تأسیس بانک تعاون ملی تحت ریاست کارتر در سال ۱۹۷۸ برای خدمت رسانی به انواع تعاونیهای غیرکشاورزی بود.

اندکی پس از آن، کشور چند دهه ها چرخش طولانی به سمت راست را زیر ردای خفه کننده ریگانیسم و وعده های دروغین آن برای رفاه از طریق سرمایه داری مقررات زدائی شده تجربه کرد... تا این که سرانجام در سال ۲۰۰۸ حباب ترکیب و اقتصاد سقوط کرد.

جنبش [اشغال] خانه های شهری در نیویورک

موفق ترین جنبش تعاونی رادیکال معاصر در ایالات متحده، یک جنبش محلی است که در چهار دهه گذشته جاری بوده و با روحیه الهام بخش مردمی شورشی رهبری می شده است: اشغال خانه های خالی شهری و ترمیم و استفاده از آنها در نیویورک که شکل یک جنبش تعاونی با سهام محدود را یافته است.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، بسیاری از صاحبخانه های نیویورک ساختمان های آپارتمانی خود در محله های کم درآمد را رها کردند، زیرا این خانه ها را چندان سودآور نمی دانستند. در آن دهه و تا پایان آن سالانه به طور متوسط ۳۸۰۰۰ واحد مسکونی متروکه می شدند. مقامات شهر به دلیل عدم پرداخت مالیات این خانه ها و تخلفات جدی از مقررات مربوطه مالکیت آنها را به عنوان "آخرین صاحبخانه" به عهده گرفت. در سال ۱۹۶۹، گروهی از مردم ساکن خیابان ۱۰۲ شرقی در مانهاتن، که عمدتاً از خانواده های پورتوریکویی تشکیل شده بودند، با اقدام مستقیم دو ساختمان را تصرف کردند و با تشکیل تعاونی مبتنی بر "سهام زحمت" شروع به بازسازی آنها کردند. این اقدام بلافاصله به جنبشی در محل و محلات همسایه فراروئید. در سال ۱۹۷۰ گروه های دیگری از مردم، با شعار "حق همگانی برای داشتن جائی برای زندگی" دست به تصرف خانه های خالی در خیابانهای ۱۵، ۱۱۱ و ۱۲۲ غربی، و در طول خیابان ۸۷ جاده کلمبوس زدند. مقامات شهر با بیرون راندن بیشتر ساکنان متحصن واکنش نشان دادند، اما اعتراض گسترده به این اقدام مقامات منجر به اعطای کنترل مدیریت برخی از ساختمان ها به سازمان های اجتماعی برای بازسازی آنها توسط خود "مستاجران" شد. چندین سازمان غیرانتفاعی توسعه تعاونی از جمله هیئت کمک به خانه های شهری (UHAB) تشکیل شدند و به سرعت به سازمانهایی مؤثر تبدیل شدند. در سال ۱۹۷۳، ۲۸۶ ساختمان به عنوان خانه های مشمول "اشغال خانه های شهری" در نظر گرفته شدند، اما موانع تأمین مالی برای بازسازی آنها موجب کاهش قابل توجه این تعداد شد و تنها ۴۸ گروه از ساکنان آتی ساختمانهای مورد نظر موفق به ایجاد تعاونیهای کم درآمدی با سرمایه محدود، و تصاحب خانه ها و بازسازی آنها شدند.

از مبارزه کارگران علیه قراردادهای موقت کار و کار پیمانی حمایت کنیم!

سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری را متوقف و فعالین سندیکایی زندانی را آزاد کنید!

تلاش برای قانونی کردن بیگاری زیر پوشش "طرح مهارت آموزی" صادق



خبرگزاری ایلنا در ۹ آذر ماه از تصویب و ابلاغ بخشنامه تازه‌ای توسط وزارت کار برای استاندارد کردن خبر داد. به گزارش این خبرگزاری "دستور العمل اجرایی طرح مهارت آموزی در محیط کار واقعی" عنوان بخشنامه ای است که در ۱۶ مهر ماه جهت اجرا برای استانداران ارسال شده است. گزارشگر ایلنا از این بخشنامه با عنوان احیای طرح استاد شاگردی با نام تازه یاد کرده و آن را نقد نموده است. با این همه اما بخشنامه فراتر از احیای روابط قرون وسطایی استاد – شاگردی است و ناظر بر قانونی کردن بیگاری است. من دلیل آن را در پائین تر این نوشته عرض خواهم کرد

از میان برداشتن هر نوع قانون حمایتی از حقوق کارگران سیاست همه دولتها در جمهوری اسلامی از زمان دولت هاشمی رفسنجانی تا کنون بوده است و هر کدام از دولتهای تا کنونی در دوران فرمانروایی خود تا حدی که اوضاع سیاسی و اجتماعی به آنها اجازه می داده به بهانه های مختلف بخش های از مواد حمایتی قانون کار را که اندکی با حقوق کارگران سخت داشتند از میان برداشته اند و سرکوب تشکل های کارگری مستقل نیز مانع از مبارزه سازمان یافته کارگران با اعمال ضد کارگری حاکمان شده است

در خیلی اوقات آنان از طریق ابلاغ بخشنامه های آشکار و پنهان برای نهادهای اجرای ذی ربط قوانین حمایتی باقی مانده در قانون کار را بلاموضوع کرده اند و از اعلام رسمی آن تا مدتها خودداری کرده اند ولی در عمل آنها را اعمال کرده اند

حذف قوانین حمایتی محدودی که هنوز رسماً از قانون کار منفک نشده اند همچنان در راستای سیاست های تا کنونی حکومت قرار دارند. با این تفاوت که در دولت رئیسی به دلیل یکدست شدن حکومت از میان برداشتن حقوق کارگران شتاب بی سابقه ای پیدا کرده و وزیر کار دولت رئیسی به نظر می رسد وظیفه ای مهمتر از نابود کردن کامل حقوق کارگران و تبدیل آنان به طبقه ای کاملاً بی حق و حقوق برای خود در منصب وزارت قائل نیست. لشگری از ریزه خواران و عوامل جیره بگیر صاحبان سرمایه و قدرت نیز که در این کار ذینفع اند، به اشکال مختلف در این کارزار ضد انسانی دولت و وزیر کار آن را پشتیبانی می کنند

گویی همه مشکلات و بحرانهای کشور بخاطر همین چند ماده حمایتی بی رمق باقی مانده در قانون کار و دستمزدهای سه مرتبه زیر خط فقر است و اگر آنها را بردارند مملکت گل و بلبل می شود. با این وجود با بیشرمی و وقاحت فراوان همه این اعمال عدالت ستیزانه و فقر و فلاکت افزون شان را عدالتخواهی می نامند

دستور العمل وزارت کار که به نوشته ایلنا از طرف وزارت کار در ۱۶ مهر برای استانداران فرستاده شده تازه ترین اقدامات تعرضی کارگزاران صاحبان سرمایه مسلط بر نهاد های حکومتی به حقوق نیروی کار است که با نام مستعار "دستور العمل اجرایی طرح مهارت آموزی در محیط کار واقعی" اینک در دستور کار قرار گرفته است. انگار طرح هایی همچون مستثنی کردن قریب ۷ میلیون شاغلان کارگاه های زیر ۱۰ نفر در مناطق به اصطلاح روستایی از حداقل دستمزد قانونی، منطقه ای کردن میزان دستمزد، خصوصی کردن بخشی از تأمین اجتماعی، واگذاری بانک رفاه کارگران، منجمد کردن دستمزدها، توقف اجرای همسان سازی و... که در ست اجرا دارند آنان را راضی نکرده اند که حالا طرح قانونی کردن بیگاری را نیز از طرف نهادهای چون وزارت کار که وظیفه اش نظارت بر اجرای قوانین کار است و نه خلاف آن برای اجرا به استانداران ابلاغ کرده اند



در شانزدهم مهرماه سال جاری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بخشنامه‌ی جدیدی "ایلنا نوشت در باره این طرح تازه نوشت خطاب به استانداران در سراسر کشور صادر نموده که عنوان آن «دستورالعمل اجرایی طرح مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی» است. "نسخه‌ای از این بخشنامه که به تازگی از زونکن‌های دولتی بیرون آمده، در اختیار ما قرار گرفته است

مطابق مندرجات این بخشنامه، که در گزارش ایلنا آمده اند. مدت کارآموزی یک سال در نظر گرفته شده، کار آموز باید در این مدت بطور رایگان و بدون دستمزد کار کند، تحت پوشش بیمه قرار نمی گیرد، کارفرما مکلف به استخدام کار آموز پس از اتمام دوره !کارآموزی نیست

این بخشنامه به راستی بسیار بدوی تر از رابطه استاد – شاگردی است. زیرا در مناسبات استاد شاگردی کارفرما به شاگرد کارگاه و یا همان کارآموز مقدار کمی دستمزد می داد و بعد از کارآموزی طرف را استخدام و دستمزدش را بالا می برد. اما در این بخشنامه هیچ تعهدی برای کارفرما نسبت به کارآموز منظور نشده است. این خود تحجر تنظیم کنندگان بخشنامه و نیت پلید استثمارگرانه آنان را بر ملا می کند و به کارفرما امکان می دهد که نیروی کار را به بیگاری بکشاند

طبق طرح نام برده کارفرما می تواند هر سال بدون پرداخت دستمزد افراد تازه‌ای را به کار بگیرد و بعد از یک سال آنان را بیرون کند و بجای آنان عده دیگری را مفت و مجانی به بیگاری وادارد. این از برده داری هم به واقع بدتر است، چرا که برده داران حداقل غذا و پوشاک برده‌ها را تأمین می کردند

البته بیگاری هم اکنون هم به اشکال پیچیده تری جریان دارد. وقتی کارگر را بر خلاف میل او بجای ۷ و نیم ساعت مجبور به ۱۲ ساعت کار می کنند و پولی بابت اضافه کاری به کارگر نمی دهند، وقتی نوبت کاری ماهانه کارگران نفت را به نصف تقلیل می دهند، وقتی شرکت‌های پیمانکاری و دلالان بازار کار پرستار و کارگر و معلم را با نصف تا یک سوم حقوق به کار می گیرند، اینها همه مصداق بیگاری هستند. تفاوت بخشنامه جدید اما در این است که سعی دارد بیگاری را رسمی و قانونی کند و این خود مقدمه‌ای است برای تعدیل هرچه ممکن تر حقوق سندیکایی زحمتکشان

با این اوصاف این طرح ابلهانه گماستگان بازار در دولت از آنجا که ملهم از مناسبات دوران برده داری است در دنیای امروز امکان عملی شدن ندارد، فقط ابلهانی امثال وزیر کار و معماران چنین طرح های قرون وسطایی هستند که تصور می کنند می توانند با چنین ترفندهای مندرسی نیروی کار امروزی را به بیگاری بکشانند

این بخشنامه افزون بر ایرادات و اشکالات شرح داده شده در آن غیر قانونی نیز هست. زیرا مغایر با ماده ۱۱ قانون کار و تبصره آن است که مقرر می دارد

طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر مدتی را به نام دوره آزمایشی کار تعیین نمایند. در خلال این دوره هر یک از طرفین حق دارد، بدون " اخطار قبلی و بی آنکه الزام به پرداخت خسارت داشته باشد، رابطه کار را قطع نماید. در صورتیکه قطع رابطه کار از طرف کارفرما باشد وی ملزم به پرداخت حقوق تمام دوره آزمایشی خواهد بود و چنانچه کارگر رابطه کار را قطع نماید کارگر فقط مستحق دریافت حقوق مدت انجام کار خواهد بود

تبصره – مدت دوره آزمایشی باید در قرارداد کار مشخص شود. حداکثر این مدت برای کارگران ساده و نیمه ماهر یکماه و برای با این وصف ما می دانیم و در عمل هم بکرات دیده‌ایم که دولت مردان و "کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالا سه ماه می‌باشد صاحبان قدرت و ثروت به راحتی خوردن آب قوانینی را که کوچکترین محدودیت و قید و بندی برا آنها ایجاد کند، کنار می گذارند و . . . آنطور که منافع شان ایجاب می کند رفتار می کنند. بهمین خاطر نمی شود تنها با وسیله قانون با اقدامات ضد مردمی آنان مبارزه کرد

آنچه به دولتها و حاکمان واپسگرا و استثمارگر و مستبد امکان داده و می دهد که حقوق سندیکایی و شهروندی کارگران و مزد بگیران را بطور پیوسته مورد تاخت و تاز قرار دهند، پراکندگی و سازمان نیافتگی طبقه کارگر است

هم از این رو تنها راه کار برای پایان نهادن بر تعرضات مستمر حکومت و سرمایه داری حاکم به حقوق زحمتکشان، متشکل شدن، همبستگی و گسترش مبارزه صنفی و سیاسی علیه استبداد برای استقرار آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در یک همپوندی وسیع با همه جنبش ها و نیروهای تحول خواه دموکراتیک جامعه است

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

علیه تبعیض جنسیتی و هر نوع تبعیض دیگر در بازار کار مبارزه کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تعداد شرکت کنندگان در اعتراض سراسری معلمان بسیار پرشماتر از اعتراضات پیشین بود و گزارشاتی که از طرف معلمان و سازمانگران تجمع ها در پایان آن داده شد نیز حاکی از موفقیت اعتراض سراسری است. شرکت معلمان زن در سازماندهی و حضور در تجمع های ۱۱ آذر نیز بسیار چشمگیرتر از پیش بود. برابر گزارشات نیروهای امنیتی در مشهد به صفوف معلمان یورش بردند و اخباری نیز از بازداشت عده ای از فعالان معلمان در تهران منتشر شد. شورای هماهنگی تشکلهای معلمان در قطعنامه ای که به این مناسبت منتشر کردند بر ادامه اعتراضات خود در اشکال مقتضی تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید کردند.

برگزاری موفقیت آمیز اعتراض سراسری معلمان و فرهنگیان

در ۱۱ آذر هزاران نفر از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان پاسخ مثبت دادند و بار دیگر در بیش از ۸۰ شهر بزرگ و کوچک از چهار گوشه کشور شرکت و خواستار، "همسان سازی بازنشستگان_ مبتنی بر_ قانون_ مدیریت_ خدمات_ کشوری

رتبه بندی شاغلان_ هشتاد درصد_ حقوق هیات علمی" شدند. معلمان در تظاهرات و تجمع های ۱۱ آذر همچنین خواستار آزادی معلمان زندانی و تحصیل رایگان شدند. تعداد شرکت کنندگان در اعتراض سراسری معلمان بسیار پرشماتر از اعتراضات پیشین بود و گزارشاتی که از طرف معلمان و سازمانگران تجمع ها در پایان آن داده شد نیز حاکی از موفقیت اعتراض سراسری است. شرکت معلمان زن در سازماندهی و حضور در تجمع های ۱۱ آذر نیز بسیار چشمگیرتر از پیش بود.

برابر گزارشات نیروهای امنیتی در مشهد به صفوف معلمان یورش بردند و اخباری نیز از بازداشت عده ای از فعالان معلمان در تهران منتشر شد. شورای هماهنگی تشکلهای معلمان در قطعنامه ای که به این مناسبت منتشر کردند بر ادامه اعتراضات خود در اشکال مقتضی تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید کردند.

تظاهرات دوباره کارگران مجتمع مس سونگون در ورزقان



کارگران واحدهای آهن آجین، زحل نوآوران و مبین از شرکتهای تابع مجتمع مس سونگون ورزقان به دنبال خلف وعده کارفرما از انجام تعهدات اش در هفته گذشته در نهم آذر دوباره در محوطه این مجتمع صنعتی تظاهرات و خواستار برکناری مسئولین بی کفایت شدند. گفتنی است که کارگران این مجتمع بزرگ صنعتی طی هفته های اخیر در اعتراض به بی توجهی مدیران مجتمع به مطالبات شان مبادرت به اعتصاب و تجمع کرده بودند. در پایان هفته گذشته اعتصاب کارگران با میانجیگری نهادهای دولتی و امنیتی و تضمین عملی کردن مطالبات کارگران پایان یافت. تظاهرات ۹ آذر اما نشان می دهد که کارفرما به رغم توافق هفته گذشته با کارگران از انجام آن امتناع کرده است. همین امتناع موجب اعتصاب تازه ای در این مجتمع شده است.

گزارش اتحادیه آزاد کارگری در خصوص شروع دوره تازه اعتصاب در این مجتمع

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، امروز پنجشنبه یازدهم آذرماه، کارگران شرکت های پیمانکاری شاغل در مجتمع مس سونگون در سومین روز اعتصاب کاری خود به سر میبرند

از روز گذشته کارفرمایان و مسئولین دولتی به جای پاسخگویی به مطالبات کارگران، اقدام به قطع دسترسی آنتن موبایل و اینترنت، کنسل شدن سرویس تردد و ایاب و ذهاب کرده اند و شرکت آهن آجین آب شرب را به روی کارگران اش قطع کرده و همچنین آشپزخانه شرکت را نیز بسته است.

سومین دور این اعتصابات دو هزار نفری در حالی صورت میگیرد که سه ماه پس از تصویب اصلاح حقوق و مزایای کارگران توسط شرکت ملی مس، هیچ اقدامی از طرف شرکت های پیمانکاری صورت نگرفته و علاوه بر آن قرارداد کار هم به پرسنل ارائه نشده است.

از سرگیری اعتصاب کارگران شهرداری خرمشهر

کارگران اعتصابی شهرداری خرمشهر بار دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و رد نکردن حق بیمه هایشان به تامین اجتماعی ۹ آذر در مقابل فرمانداری دست به اعتراض زدند. از آغاز اعتصاب تا کنون زباله ها در گوشه و کنار شهر روی هم تلمبار شده اند. گفتنی است که کارگران با شرکت در اعتصاب توانسته بودند دستمزد دو ماه خود را از شهرداری بگیرند و به آنان وعده داده بودند چهار ماه دستمزد و اضافه کاری شان را نیز پرداخت کنند که به آن عمل نکردند و کارگران دوباره مجبور به اعتصاب شدند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی آپادانا

کارگران شرکتهای پیمانکاری شریفی و باقر پور در پی خلف وعده پیمانکاران نسبت به تعهداتی که در اعتصاب قبلی به کارگران داده بودند، در ۸ آذر دوباره با خواست اجرای تعهدات کارفرمایان مبادرت به اعتصاب کردند. کارگران این دو شرکت که ۴۰۰ نفر هستند در پی فراخوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی به همراه کارگران ده ها شرکت دیگر اعتصاب کرده بودند. کارفرما با قبول افزایش دستمزد و ۱۰ روز مرخصی در ازای ۲۰ روز کار موفق شده بود کارگران این دوشرکت را به سر کار برگرداند.

گفتنی است که تعداد قابل توجهی از کارفرمایان بهمین شکل موفق شدند در صفوف اعتصاب سراسری شکاف ایجاد کنند، ولی بیشتر آنها به تدریج زیر تعهدات شان زدند. علت کامیابی نسبی کارفرمایان نبود تشکل فراگیر و جا افتاده ای بین کارگران بود که بتواند با انعقاد قرارداد دسته جمعی راه را بر سوء استفاده کارفرمایان سد کند و مانع توافقات تک به تک کارگران شرکتهای مختلف شود. شورای سازماندهی اعتراضات در سازمانگری اعتصاب سراسری درخشان عمل کرد، اما در رسیدن به اهداف اعتصاب نتیجه مطلوب را نتوانست حاصل کند. علت آن نیز تصور خوش بینانه شورا از نقش مجامع عمومی و سپردن ناگزیر اخذ تصمیم به این مجامع و کارگران تک به تک شرکتها بود. این مجمع نیز تنها در چند شرکت تشکل شد و نتایج کارشان نیز گزارش نشد تا بتوان ارزیابی دقیقتری از آنها به دست داد. شورا فراموش کرد فراخوان به اعتصاب سراسری نیازمند تصمیم و توافق جمعی هم هست و نمی شود توافق را در یک حرکت جمعی به اختیار هر واحد جداگانه سپرد.

این ضعف را علی الحساب می شد با تشکیل کمیته ها ی اعتصاب در هر یک از واحدها و وصل آنها به هم دیگر تا حدود زیادی رفع و هدایت اعتصاب را به آنها سپرد. اما راه کار درست، تشکیل تشکل مستقل در هر واحد و فرا رویاندن آنها به اتحادیه های رشتهای است.

اعتراض کارگران شرکتی توزیع برق در تهران

کارگران فنی قراردادی شرکت برق در تهران از روز شنبه این هفته اعتراضی را علیه کار شرکتی و قراردادی و با خواست تبدیل قراردادهای شان به رسمی شروع کردند که تا روز سه شنبه که گزارش آن توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شد ادامه پیدا کرده است.



این اعتراضات پس از آن شروع شد که دولت تنها با تغییر قرارداد ایثارگران شرکتی که در شرکت برق کار می کنند موافقت کرد و درخواست کارگرانی را که تا ۲۰ سال سابقه کار دارند را برای استخدام مستقیم در شرکت برق بی پاسخ گذاشت. در واقع کار کادر فنی شرکت توزیع برق کاری ست که ماهیت مستمر دارد و به تبع آن موقتی کردن کارگران برق خلاف ذات قانون و به جهت پرداخت دستمزد و مزایای کمتر و حمایت از شرکتهای دلال در بازار کار است. شرکتهایی که صاحبان آنها اکثرا از وابستگان به مسئولین حکومتی هستند و از بابت ندادن حق و حقوق کارگر سالانه مبالغ کلانی سود بدون زحمت به جیب می زنند

کارگران فنی قراردادی شرکت توزیع برق تهران که در مناطق رباط کریم، ملارد، کهریزک، شهریار، اندیشه و ورامین "به نوشته ایلنا مشغول به کار هستند، ... "در این اعتراض که از روز شنبه شروع شده است شرکت دارند

اعتصاب کارگران لاستیک دنا

کارگران کارخانه لاستیک دنا در ۷ آذر در اعتراض به افزایش نیافتن دستمزدهای شان و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل اعتصاب کردند. کارگران همچنین نسبت به زدوبند شورای اسلامی شرکت با مدیریت در مورد حقوق شان اعتراض و تصمیمات آنان در مورد مقدار افزایش دستمزدشان معترض هستند. گفتنی است که شوراهای اسلامی کار در کارخانه ها اگر کارفرما از وابستگی اعضای شان به خود مطمئن نباشند به آنها، اجازه تشکیل و فعالیت نمی دهند. بهمین جهت زیان وجود شوراهای اسلامی برای کارگران به مراتب از نفع آنها بیشتر است

ادامه بور به کار شاقکشتار کولبران زحمتکش

کشتار کولبرانی که بواسطه بیکاری برای تامین معاش خانواده هایشان مجبور شده اند به کار شاق و خطرناک کولبری روی بیاورند، همچنان ادامه دارد. ماموران هنگ مرزی در ۹ آذر بار دیگر بسوی عده ای از کولبران در مرز چومان در منطقه بانه آتش گشودند و یک کولبر به نام عادل علیپور را به قتل رسانده و دو تن دیگر را زخمی کردند. رژیم در مانده از ایجاد اشتغال برای بیکاران یا پرداخت حقوق بیکار به آنان، کسانی را که تلاش می کنند با کولبری و سوختبری معاش روزانه خانواده هایشان را تامین کنند هر از چند گاهی به قتل می رساند و بیشرمانه به رغم اعتراضات مردمی با این جنایات آن را ادامه می دهد

اعتراض بازنشستگان لشگری و کشوری به افزایش ۱۰ درصدی حقوق های بازنشستگی

به دنبال اعلام انجماد دستمزدها و افزایش تنها ۱۰ درصد به حقوق های بازنشستگی توسط یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه، عده ای از بازنشستگان کشوری و لشگری نسبت به تصمیم مجلس اعتراض کردند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه گفته است با اینکه می دانیم افزایش ۱۰ درصد کمتر از تورم است اما چاره ای نداریم چون افزایش بیشتر از ۱۰ درصد باعث تورم بیشتر می شود. افزایش ۱۰ درصدی در شرایط تورم غذایی ۷۰ درصدی و تورم ۵۰ درصدی در واقع نه تنها افزایش محسوب نمی شود بلکه کاهش ۴۰ درصد حقوق ها ست. بنا بر این خلاف گفته این نماینده فرمایشی مجلس صحبت ناظر بر منجمد کردن ایشان یک فریبکاری ابلهانه است که فقط می تواند افرادی مانند خود این نماینده فرمایشی را بفریبد. از همین رو این نماینده و رفقای اش در مجلس باید خودشان را برای موج اعتراضاتی که بواسطه این تصمیم ابلهانه در انتظار آنهاست آماده کنند

تظاهرات دوباره بازنشستگان هواپیمایی هما

بازنشستگان هما در ۸ آذر برای چهارمین مرتبه طی هفته های اخیر در اعتراض به تصمیم ادغام صندوق بازنشستگی کارکنان هما در صندوق بازنشستگان کشوری و پرداخت نشدن منظم و به موقع حقوق های بازنشستگی شان مقابل صندوق بازنشستگی این شرکت تجمع و در خیابان راهپیمایی کردند. بازنشستگان در این راهپیمایی علاوه بر دادن شعارهای صنفی شعار هایی هم علیه مسئولین و بی توجهی مسئولین به خواسته های مردم سردادند. کارکنان هم نگران هستند که اگر صندوق شان در صندوق های دیگر ادغام شوند، حقوق ها و مزایای بازنشستگی شان بدتر شود. همچنین آنان نگران حیف و میل شدن اندوخته هایشان در جریان انتقال هستند. که البته هیچ کدام از این نگرانی ها بی جهت و بی جا نیست

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته های فولاد در چند شهر

بازنشستگان فولاد در ۷ آذر بار دیگر در اعتراض به عدم افزایش حقوق بازنشستگی، نداشتن بیمه تکمیلی رایگان، اجرا و تصویب نشدن همسان سازی حقوق ها برای سالهای بعدی، در شهرهای اصفهان، اهواز، تهران و رودبار گیلان به خیابان آمدند و خواستار انجام خواسته های به حق شان شدند

اعتصاب کارگران ایران خودرو تبریز



کارگران ایران خودرو تبریز دوباره در اعتراض به عدم پایبندی مدیریت شرکت به وعده رسیدگی به خواسته های کارگران که به پایان یافتن اعتصاب قبلی صورت گرفت از هفته گذشته تا ۹ آذر که مدیریت قول رسیدگی به مطالبات شان را داد در اعتصاب به سر بردند. به گزارش برخی از منابع کارگری مدیریت جهت مرعوب کردن کارگران کارخانه را بطور موقت تعطیل کرد، ولی خیلی زود بواسطه زیان کلانی که به کارخانه از بابت این تصمیم وارد می شد، کارخانه را دوباره به روی کارگران با قول رسیدگی مجدد به خواسته های کارگران گشود.

مخالفت کارگران در پتروشیمی ایلام مانع تشکیل شورای اسلامی شد

به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت کارگران پتروشیمی ایلام با شرکت نکردن در انتخاب شورای اسلامی کار مانع تشکیل شورای اسلامی شدند. گفتنی است که از مدتی پیش رقابتی بین خانه کارگری ها و سرکردگان انجمن های صنفی در زمینه های مختلف برای ایجاد تشکلهای فرمایشی در شرکتهای پیمانی نفت شروع شده است که در اثر مخالفت کارگران با تشکلهای فرمایشی وابسته به جناح های حکومتی موقعیتی کسب نکرده اند. بعد از روی کار آمدن دولت رئیسی سرکردگان انجمن های صنفی که توسط دولت احمدی نژاد تشکیل شدند، این رقابتها دوباره از سر گرفته شده و هر کدام می کوشند موقعیت خودش را در نهادهای انتصابی مانند شورای عالی کار، شورای تامین اجتماعی، وزارت کار... بهتر کنند.

همکاران ما در پتروشیمی ایلام اجازه تشکیل شورای اسلامی را ندادند

گزارش کانال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت

صبح روز یکشنبه هفتم آذر ماه پیرو اطلاعیه قبلی، قرار برگزاری انتخابات شورای اسلامی کار در پتروشیمی ایلام گذاشته شده بود. - دست اندر کاران این کار در همدستی با اداره کار و مدیریت بقول خودشان هماهنگی های لازم را انجام داده و صندوق رای را به محل کار همکاران ما برده بودند تا بلکه تعداد بیشتر در این مضحکه شرکت کنند. اما شمار بسیار بالای همکاران ما در این انتخابات شرکت نکردند و بدلیل نرسیدن آرا به حد نصاب مقامات دست اندر کار مجبور شدند بساطشان را جمع کنند و بروند. بدین ترتیب همکاران ما در پتروشیمی ایلامی اجازه تشکیل به شورای اسلامی در این پالایشگاه را ندادند. البته این دومین بار است که مسئولین امر دست به چنین تلاشی میزنند ولی با شکست کامل روبرو شده اند. مقامات مسئول جهت امنیتی کردن بیشتر مراکز نفتی این بار از در ایجاد تشکیلات شورای اسلامی وارد شده اند و ما قبلاً قاطعانه اعلام کردیم که اجازه نمیدهیم با ایجاد آنها محیط های کار ما بیش از این امنیتی شود و باید به این امنیتی کردن ها پایان داده شود. ما همین جا به همکارانمان در پتروشیمی ایلام درود میفرستیم. باید همچون همکارانمان در نیشکر هفت تپه در شوراهای اسلامی این نهادهای به غایت ضد کارگری را در همه جا به گل گرفت

تکلیف دستمزد و حقوق سندیکایی را کارگران باید در خیابانها و کارخانه ها و با متشکل کردن خود رقم بزنند!
از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!



تصویری از محاصره کارگران معدن سونگون در ورزقان توسط یگان ویژه سرکوب



سوء قصد به راهپیمایی و محاصره کارگران حق طلب معدن سونگون را محکوم و از اعتصاب و مطالبات کارگران اعتصابی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>